

عنوان مقاله:

تفکر ابتدایی، دینداری و تحصیلات عالی

محل انتشار:

فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره 13، شماره 1 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 48

نویسنده:

محمدرضا طالبان - دانشیار جامعه شناسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

علوم اجتماعی در طول بیش از دو قرن در مطالعه علمی دین تحت سیطره «مفروضه کنشگر نامعقول» قرار گرفته بود. دینداری و رفتارهای مذهبی بر اساس تفکر ابتدایی، انگیزش های روان نژندی و شرطی سازی اجتماعی تبیین می شد و افول دین و دینداری نیز به عنوان پیامد اجتناب ناپذیر روشنگری های علم و پیشرفت های تکنولوژیک دیده می شد. از اواخر قرن بیستم و به ویژه اوایل قرن بیست و یکم مجموعه ای فزاینده از داده های تجربی حاصل از تحقیقات علوم اجتماعی نشان داده اند که این رویکرد سنتی به مطالعه علمی دین معیوب می باشد. بسیاری از این داده ها، به طور جدی، با مدعاهای قدیمی ولی محبوب دانش پژوهان علوم اجتماعی مبنی بر «ناسازگاری علم با دین»، «افول و زوال تدریجی دین» و «ریشه های آسیب شناختی التزام مذهبی» در چالش بوده اند. شواهد پژوهشی ارائه شده در مقاله حاضر نیز نشان داد که اکثر ادبیات حجیم مربوط به ارتباط تحصیلات دانشگاهی با کاهش دینداری دانشجویان، که تحت سیطره پارادایم سکولاریزاسیون و فرضیه ناسازگاری علم با دین تولید شده بود، از حمایت تجربی لازم برخوردار نیست. همچنین، تحلیل داده های مربوط به دینداری مسلمانان ایرانی نشان داد که تفاوت دینداری جمعیت نمونه تحقیق بیشتر تحت تاثیر زمینه مذهبی خانوادگی آنان بوده است نه تحصیل در دانشگاه؛ به عبارت دیگر، آن چیزی که غالباً به عنوان تاثیرات دانشگاه بر کاهش التزام مذهبی دانشجویان در مقایسه با همتایان شان، که فاقد تحصیلات دانشگاهی بوده اند، مطرح می شود اغلب به خاطر تفاوت در زمینه های خانوادگی و جامعه پذیری اولیه آنان قبل از ورود به دانشگاه بوده؛ نه اینکه محصول تجربیات آنان بعد از ورود به دانشگاه ها باشد.

کلمات کلیدی:

تفکر ابتدایی، دینداری، تحصیلات عالی، رشته تحصیلی دانشگاهی، تعارض علم و دین، سکولاریزاسیون

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1221173>

